

مبادی و اصول اجتماعی - صلح عمومی و صلح اکبر

حضرت بهاء الله



(10) صلح عمومی، صلح اکبر، وحدت دول و ملل و لزوم تشکیل محکمه کبرای بین المللی

صلح عمومی و راحتی حقیقی جز بقدرت الهی پایدار و مستقر نیست

- ای اهل عالم چون در جمیع عالم سیر و سیاحت نمائید آنچه معمور است از آثار الفت و محبت است و آنچه مطمور است از نتایج بغض و عداوت. با وجود این عالم بشر متنبه نشود و از این خواب غفلت بیدار نگردد باز در فکر اختلاف و نزاع و جدال افتد که صف جنگ بیاراید و در میدان جدال و قتال جولان کند. همچنین ملاحظه در کون و فساد وجود و عدم نمائید که هر کائنی از کائنات مرگب از اجزاء متنوعه متعدده است و وجود هر شیء فرع ترکیب است یعنی چون بایجاد الهی در بین عناصر بسیطه ترکیبی واقع گردد از هر ترکیبی کائنی تشکیل شود جمیع موجودات بر این منوال است و چون در آن ترکیب اختلال حاصل گردد و تفریق اجزاء گردد آن کائن معلوم شود یعنی انعدام هر شیء عبارت از تحلیل و تفریق اجزاست. پس هر الفت و ترکیب در بین عناصر سبب حیات است و اختلاف و تحلیل و تفریق سبب ممات. بالجملة تجاذب و توافق اشیاء سبب حصول ثمره و نتایج مفیده است و تنافر و تخالف اشیاء سبب انقلاب و اضمحلال است از تآلف و تجاذب جمیع کائنات ذیحیات مثل نبات و حیوان و انسان تحقق یابد و از تخالف و تنافر انحلال حاصل گردد و اضمحلال رخ بگشاید. لهذا آنچه سبب اثتلاف و تجاذب و اتحاد بین عموم بشر است حیات عالم انسانی است و آنچه سبب اختلاف و تنافر و تباعد است علت ممات نوع بشر است. و چون به کشتزاری مرور نمائی و ملاحظه کنی که زرع و نبات و گل و ریاحین پیوسته است و جمعیتی تشکیل نموده دلیل بر آنست که آن کشتزار و گلستان بتربیت دهقان کاملی انبات شده است و چون پریشان و بی ترتیب مشاهده نمائی دلیل بر آنست که از تربیت دهقان ماهر محروم و گیاه تباه خود روئیت. پس واضح شد که الفت و التیام دلیل بر تربیت مرئی حقیقی است و تفرق و تشتت برهان وحشت و محرومیت از تربیت الهی. اگر معترضی اعتراض نماید که طوائف و امم و شعوب و ملل عالم را آداب و رسوم و اذواق و طبایع و اخلاق مختلف و افکار و آراء متباین با وجود این، چگونه وحدت حقیقی جلوه نماید و اتحاد تام بین بشر حاصل گردد؟ گوئیم: اختلاف بدو قسم است، یک اختلاف سبب انعدام است و آن نظیر اختلاف ملل متنازعه و شعوب متبازره که یکدیگر را محو نمایند و خائمان بر اندازند و راحت و آسایش سلب کنند و خونخواری و درندگی آغاز نمایند و اختلاف دیگر که عبارت از تنوع است آن عین کمال و سبب ظهور موهبت ذوالجلال. ملاحظه نمائید گلهای حدائق هر چند مختلف النوع و متفاوت اللون و مختلف الصور و الاشکالند ولی چون از یک آب نوشند و از یک باد نشو و نما نمایند و از حرارت



TABLET

و ضیاء یک شمس پرورش یابد آن تنوع و اختلاف سبب ازدیاد جلوه و رونق یکدیگر گردد. چون جهت جامعه که نفوذ کلمه الله است حاصل گردد این اختلاف آداب و رسوم و عادات و افکار و آراء و طبایع سبب زینت عالم انسانی گردد. و همچنین این تنوع و اختلاف چون تفاوت و تنوع فطری خلقی اعضاء و اجزای متنوعه در تحت نفوذ سلطان روح است و روح در جمیع اعضاء و اجزاء سریان دارد و در عروق و شریان حکمران است این اختلاف و تنوع مؤید اثتلاف و محبت است و این کثرت اعظم قوه وحدت. اگر حدیقه ای را گلها و ریحین و شکوفه و انار و اوراق و اغصان و اشجار از یک نوع و یک لون و یک ترکیب و یک ترتیب باشد هیچوجه لطافتی و حلاوتی ندارد و لکن چون از حیث الوان و اوراق و انار و ازهار گوناگون باشد هر یکی سبب ترین و جلوه سیر الوان گردد و حدیقه منبته شود و در نهایت لطافت و طراوت و حلاوت جلوه نماید. و همچنین تفاوت و تنوع افکار و اشکال و آراء و طبایع و اخلاق عالم انسانی چون در ظل قوه واحده و نفوذ کلمه وحدانیت باشد در نهایت عظمت و جمال و علویت و کمال ظاهر و آشکار شود. الیوم جز قوه کلیه کلمه الله که محیط بر حقائق اشیاست عقول و افکار و قلوب و ارواح عالم انسانی را در ظل شجره واحده جمع تواند اوست نافذ در کل اشیاء و اوست محرک نفوس و اوست ضابط و رابط در عالم انسانی. الحمد لله الیوم نورانیت کلمه الله بر جمیع آفاق اشراق نموده و از هر فرق و طوائف و ملل و شعوب و قبائل در ظل کلمه وارد و در نهایت اثتلاف مجتمع و متحد و متفقند (حضرت عبدالبهاء، پیام ملکوت ص 247-250)

- در عالم انسانی صلح و وحدت یا از ارتباط وطنی است که بواسطه هموطنی جمعی بهم مربوط میشوند یا از ارتباط جنسی است یا از ارتباط سیاسی ولی هیچیک کفایت ننماید. چه بسیار هموطنان که با یکدیگر در جنگ و جدالند و علاوه هر کس وطن خود را دوست دارد دوستی وطن خود سبب دشمنی با دیگران میشود. همینطور ارتباط جنسی و سیاسی بسبب اختلاف قومی و اختلاف منافع ممکن نیست سبب صلح و اتحاد عمومی گردد. پس چه باقی ماند قوه الهی لازم است تا سبب چنین صلح و اتحادی گردد (حضرت عبدالبهاء، پیام ملکوت ص 250-251)

صلح عمومی از تفرعات وحدت عالم انسانی است

- این قرن نورانی در تاریخ انسان مثیل و نظیر ندارد از جمیع قرون ممتاز است بفضائل اختصاص یافته که کواکب درخشنده تأییدات آسمانی از افق این قرن بر قرون و اعصار بتابد. از جمله خارق عادات این قرن که فی الحقیقه معجزه است تأسیس وحدت عالم انسانی است و تفرعات آن صلح عمومی طوائف و اتحاد ملل مختلفه در این نشئه انسانی

(حضرت عبدالبهاء، پیام ملکوت ص 253)

- خدا حرب نخواسته این نزاعها مخالف رضای الهی است او بجهت بندگانش صلح و صفا خواسته. امیدواریم این تاریکی ها زائل شود نورانیت ملکوت احاطه نماید خدا بجمیع خلق مهربان است ما هم باید با یکدیگر مهربان باشیم برای مشتی خاک جنگ نمائیم این خاک قبر ابدی ماست. آیا سزاوار است برای قبری اینهمه نزاع و جدال کنیم؟ با وجودی که خدا برای ما اقالیم قلوب مقرر داشته مملکت ابدی عنایت فرموده، آیا سزاوار است از چنان عزت ابدی چشم پوشیم و برای خاک نزاع و جدال نمائیم (حضرت عبدالبهاء، پیام ملکوت ص 254)

صلح اکبر بزرگترین سبب حفظ شر است - سلاطین موظف به تحقق این صلح هستند

• جمیع را بصلح اکبر که سبب اعظمست از برای حفظ بشر امر نمودیم سلاطین آفاق باید باتفاق باین امر که سبب بزرگ است از برای راحت و حفظ عالم تمسک فرمایند ایشانند مشارق قدرت و مطالع اقتدار الهی (حضرت بهاءالله، اشراقات، اشراق دوم)

• سلاطین آفاق و فقههم الله باید باتفاق باین امر که سبب اعظم است از برای حفظ عالم تمسک فرمایند * امید آنکه قیام نمایند بر آنچه سبب آسایش عباد است * باید مجلس بزرگی ترتیب دهند و حضرات ملوک و یا وزراء در آن مجلس حاضر شوند و حکم اتحاد و اتفاق را جاری فرمایند و از سلاح باصلاح توجه کنند و اگر سلطانی بر سلطانی بر خیزد سلاطین دیگر بر منع او قیام نمایند در این صورت عساکر و الآت و ادوات حرب لازم نه الا علی قدر مقدور لحفظ بلادهم و اگر باین خیر اعظم فائز شوند اهل مملکت کلّ براحته و مسرت بامور خود مشغول گردند و نوحه و ندبه اکثری از عباد ساکن شود * نسأل الله ان یؤیدهم علی ما یحبّ و یرضی انه هوربّ العرش و الثّری و مالک الآخرة و الاولی * احسن و اولی آنکه در آن مجلس خود سلاطین عظام حاضر شوند و حکم فرمایند و هر یک از سلاطین که بر این امر و اجرای آن قیام فرماید او سید سلاطین است عند الله (حضرت بهاءالله، لوح ابن الذّئب)

مضرات جنگ و لزوم تشکیل محکمه کبرا

• جنگ هادم بنیان انسانی است سبب خرابی عالم است و ابداً نتیجه ای ندارد و غالب و مغلوب هر دو متضرر میشوند مانند آنست که دو کشتی بهم بخورد اگر یکی دیگری را غرق کند کشتی دیگری که غرق نشده باز صدمه میخورد و معیوب میگردد. نهایت این است که یک دولتی موقتاً بر دولت دیگر غلبه میکند این غلبه موقت است ایامی نمیگذرد که دوباره مغلوب غالب میشود. چقدر واقع شده که فرانسه بر آلمان غلبه یافته بعد آلمان بر فرانسه غلبه نموده عجب است که اوهام چقدر در قلوب تأثیر دارد و حقیقت تأثیر ندارد خیلی غریب است. مثلاً اختلاف جنسی امر و همی است چقدر تأثیر در آن است با وجود اینکه جمیع بشرند جمعی نامشان سقلاب جمعی جنس آلمان جمعی جنس فرانسه جمعی جنس انگلیس. ملاحظه نمائید این اختلاف جنس امر موهوم است ولی چقدر تأثیر و نفوذ دارد و حال آنکه جمیع بشرند. این حقیقت است که جمیع بشر نوع واحدند ولی این حقیقت تأثیر ندارد اما این اختلاف جنسی که امر موهوم است و مجاز است تأثیر دارد. اینهمه جنگ شده است و خون ریخته شده است اینهمه خانمانها خراب شده اینهمه شهرها ویران شده هنوز از جنگ سیر نشده اند هنوز قلوب و دلهای سخت است هنوز تنبیه برای ناس حاصل نشده است هنوز بیدار نشده اند که این بغض و عداوت هادم بنیان انسانی و حبّ و الفت سبب راحت و آسایش نوع بشر. چقدر امروز مردم مضطربند چقدر پدرها امشب ناله و فغان میکنند و آرام ندارند چقدر مادرها گریه مینمایند بدرجه ای پریشانند که وصف ندارد. چه مجبور کرده است اینها را بر این کار؟ محرکین حرب در نهایت آسایش در خانه خود جالس و این بیچاره فقرا را بهم اندازند که در میدان یکدیگر را پاره پاره کنند. چقدر بی انصافی است. در حالیکه راضی نمیشوند که یک موئی از سر خود کم شود هزاران هزار نفوس را در میدان حرب و قتال میکشند. چه لزوم دارد؟ حال مشکلاتی میان نمسه و صرب حاصل شده است حلّ این مشکلات را اگر حواله بیک محکمه عمومی نمایند آن محکمه کبری تحقیق نماید اگر چنانچه قصور از نمسه است حکم کند اگر قصور از دیگری است حکم نماید این جنگ چه لزوم محکمه کبری حلّ این مسئله را میکند. میان افراد اگر مشکلات حاصل شود این مشکلات را محکمه قضاوت حلّ مینماید همینطور یک محکمه کبری تشکیل شود مشکلات بین المللی و بین دولی را فیصل نماید. چه بهتر از این است چه ضرری دارد؟ خود دولت ها و ملوک راحت میشوند و نهایت آسایش یابند. واقعاً از بدایت عالم که تاریخ نوشته شده الی الآن از حسّ الفت و محبت و صلح ابداً هیچ ضرری از برای نفسی حاصل نشده است سبب سرور کلّ و راحت کلّ بوده و از جنگ از برای کلّ مضرت حاصل شده. با وجود این بشر مصرّ در جنگ است و همیشه در جنگجویی میکوشد و عجب در آنجاست که این ملل اساس دین الهی را بر جنگ پنداشته اند چقدر غفلت است و چقدر بی عقلی است مثل اینکه در

قلوب ذره ای محبت نیست. ملاحظه نمائید درندگی انسان دارد اما تهمت ب حیوان میزند. حیوان درنده یک شکار نماید از غیر نوع خود و بجهد طعمه مجبور بر آست. مثلاً گرگ را درنده میگویند بیچاره گرگ یک گوسفندی میدرد آنها بجهد خوراک خود زیرا اگر ندرد از گرسنگی میمیرد چه که گوشتخوار است. ولی یک انسان سبب میشود یک میلیون نفوس پاره پاره میگردد آنوقت بیچاره حیوان را تهمت میزند. ای مرد تو یک میلیون نفوس را بکشتن دادی آنوقت میگوئی (حضرت عبدالبهاء، پیام ملکوت ص 268-271)

• حضرت بهاء الله میفرماید که باید هیئت محکمه کبری تشکیل شود زیرا جمعیت امم هر چند تشکیل شد ولی از عهده صلح عمومی بر نیاید اما محکمه کبری که حضرت بهاء الله بیان فرموده این وظیفه مقدسه را بنهایت قدرت و قوت ایفا خواهد کرد و آن اینست که مجالس ملیه هر دولت و ملت یعنی پارلمانت اشخاصی از نخبه آن ملت که در جمیع قوانین حقوق بین دولی و بین ملی مطلع و در فنون متفنی و بر احتیاجات ضروریه عالم انسانی در این ایام واقف و دو شخص یا سه شخص انتخاب نمایند بحسب کثرت و قلت آن ملت این اشخاص که از طرف مجلس ملی یعنی پارلمانت انتخاب شده اند مجلس اعیان نیز تصدیق نمایند و همچنین مجلس شیوخ و همچنین هیئت وزراء و همچنین رئیس جمهور یا امپراطور تا این اشخاص منتخب عموم آن ملت و دولت باشند از این اشخاص محکمه کبری تشکیل میشود و جمیع عالم بشر در آن مشترکست زیرا هر یک از این نمایندگان عبارت از تمام آن ملتست چون این محکمه کبری در مسئله از مسائل بین المللی یا بالاتفاق یا بالا کثرتیه حکم فرماید نه مدعیرا بهانه ماند نه مدعی علیه را اعتراضی هر گاه دولتی از دولتی یا ملتی از مللی در اجرای تنفیذ حکم مبرم محکمه کبری تعلق و تراخی نماید عالم انسانی بر او قیام کند زیرا ظهور این محکمه کبری جمیع دول و ملل عالمند ملاحظه فرمائید که چه اساس مبتنی است ولکن از جمعیت محدود و محصور مقصود چنانکه باید و شاید حصول نیابد. این حقیقت حالست که بیان میشود تعالیم حضرت بهاء الله را ملاحظه نمائید که بچه قوتست در حالتیکه حضرتش در سجن عکا بود و در تحت تضییق و تهدید دو پادشاه خونخوار با وجود این تعالیمش بکمال قوت در ایران و سائر بلاد انتشار یافت

(حضرت عبدالبهاء، لوح لاهای - مکاتیب، جلد 3، ص 111-113)

انذارات و پیش بینی های نازله

- عالم منقلب است و انقلاب او یوما فیوما در تزايد و وجه آن بر غفلت و لامذهبی متوجه و این فقره شدت خواهد نمود و زیاد خواهد شد به شأنی که ذکر آن حال مقتضی نه و مدتی بر این نهج ایام می رود و اذا تم المیقات يظهر بغتة ما یرتعد به فرائص العالم اذا ترتفع الاعلام و تغرد العنادل علی الافان (حضرت بهاء الله، لوح محمد ابراهیم، منتخبات، شماره 61 ص 48)
- ﴿ بگو ای اهل ارض ﴾ برستی بدانید که بلای ناگهانی شما را در پی است و عقاب عظیمی از عقب * گان میرید که آنچه را مرتکب شدید از نظر محو شده * قسم بجامم که در الواح زرجدی از قلم جلی جمیع اعمال شما ثبت گشته * (حضرت بهاء الله، کلمات مکتونه فارسی، 63)
- و اینکه در ضعف عباد و عدم توجه نفوس غافلہ بحق منبع نوشته بودید الحق معک لی وجه عالم بر لامذهبی متوجه بوده در کل سنین بل در کل شهر بل در کل ایام از ایمان و ایقان عرفان بعید و بظنون و اوهام نزدیک و تا مدتی باین نحو خواهند بود چنانچه میقات آن در کتاب الهی نازل و ثبت شده ولکن محزون مباش چه که اشراقات شمس حقیقت رطوبات زائده طبیعت را جذب خواهد نمود و آتشتات حروفرا جمع خواهد نمود و این فقره نه مخصوص باین عصر است بلکه از قبل هم چنین بوده چنانچه رشی از رشحات مستوره در بحر علم الهی در لوح مقدس حکمت

نازل شده طوبی لمن نظرو و قرء و قال لک الحمد یا مبین العالمین بعد از انقضاء مدت مذکوره در کتاب بغتة امر الله مرتفع و جمیع نفوس بان

متوجه

(حضرت بهاء الله، لوح علی، مائده آسمانی جلد 4 ص 19)

- لابدّ حرب و انقلاب عظیمی در عالم ظاهر خواهد شد بدرجه ای که جمیع بشر بر رؤسای ارض قیام خواهند نمود و خواهند گفت که شما در قصرهای خود در کمال سرور می نشینید با نهایت لذت میخورید و با نشاط و انبساط میخواید غذاهای بسیار لذیذ دارید در باغهای خوش منظر و با صفا سیر و تفریح میکنید اما برای شهرت و نام خود رعایا را بحرب میاندازید خون ما را میریزید جسمهای ما را پاره پاره میکنید ولی خاری بدست شما نمی نشیند و دقیقه ای در آسایش شما فتور حاصل نمیشود (حضرت عبدالهباء، پیام ملکوت ص 274)
- ملاحظه نمائید که چگونه قلم اعلی و کلک اطهر حضرت عبدالهباء در الواح قدسیه و زیر قیّمه مقدسه الهیه تلویحاً و تصریحاً اخبار از وقوعات حالیه نموده و تصریح فرموده که این تعصبات جاهلیه ازدیاد یابد و مفساد قویه شدت نماید و حرکتهای تازه عمومی بر هیجان و انقلاب بیفزاید و غفلت و لامذهبی در بین جمیع طبقات رواج یابد و آفات و بلیات من کلّ الجهات هیئت اجتماعیّه را احاطه نماید و عاقبت الامر طغیان این طوفان منتهی بانقلابی گردد که شبه آنرا چشم عالم ندیده و در هیچ تاریخی ثبت و مدوّن نگشته. و این انقلاب اعظم بنفسه ممدّ آئین الهی است و مؤسس وحدت عالم انسانی تعصبات را زائل نماید و کافّه دول و امم را در بسط زمین متوجه و متمسک و مروج وحدت اصلیه گرداند جهانیان را بتأسیس محکمه کبرای الهی دلالت فرماید و رؤسای ارض را به رفع لواء صلح اعظم مطابقاً لما نزل من القلم الاعلی و من مبین آیاته الکبری مؤید و مفتخر گرداند عالم را یک وطن نماید و مصداق اذن تری الارض جنّة الابهی بر کافّه انام ظاهر و آشکار فرماید و ملکوت الله را ترویج و تأسیس نماید و بسط غیرا را آئینه ملاً اعلی گرداند (حضرت عبدالهباء، پیام ملکوت ص 277-278)